١٥٩- ای تهمتن رستم زابلی هر چند شهسوار میدان مردانگی بود و بقوه جسمانی فائق بر هر پهلوانی نامش جهانگیر شد و صیتش در خاور و باختر شهیر گشت ولی عاقبت بخدعه برادر در چاهی جای گیر گردید و بکلی اثری از او باقی نماند پس تو تهمتن جهان الهی باش و پهلوان اقلیم یزدانی تا بقوت بازو و نیروی زانو اهل عناد را مغلوب نمائی و سبب نفوذ حکومت روحانی گردی هر بدخوی را بدلجوئی خوشخوی کنی و هر پست فطرترا بهدایت الله بلند اختر نمائی دلهای پژمرده را تر و تازه کنی و جانهای مرده را زنده نمائی کور ابدی را بصیر سرمدی نمائی و علیل شدید را شفای سریع گردی بینوایان را بگنج روان هدایت کنی و اهل خاکدان را از جهان آسمان خبر دهی اینست صفت یاران الهی و سمت دوستان جمال ابهائی